

نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران / سال پانزدهم، شماره ۲۹، بهار و تابستان ۹۹، ۲۶۵-۲۹۱

مقاله پژوهشی

تک‌فرزندی و تعیین‌کننده‌های آن در ایران

یعقوب فروتن^۱، حمیدرضا بیژنی^۲

چکیده

در این تحقیق، الگوها و تعیین‌کننده‌های مرتبط با "تک‌فرزندی" را مورد مطالعه قرار داده‌ایم که به‌عنوان یکی از عمده‌ترین جنبه‌های فرآیند موسوم به "تغییر شکل ویژگی‌های جمعیت‌شناختی" در جوامع معاصر محسوب می‌شود. پژوهش‌های اندکی در ایران بر موضوع تک‌فرزندی متمرکز شده‌اند که آنها نیز عمدتاً به تک‌فرزندی در چارچوب پدیده کم‌فرزندی پرداخته‌اند. تحقیق حاضر، نه تنها جزو معدود تحقیقاتی است که موضوع تک‌فرزندی را کانون توجه قرار داده، بلکه در زمره نخستین تحقیقاتی است که به‌طور هم‌زمان هر دو بعد "باروری تحقق یافته" معطوف به متاهلین "دارای ۱ فرزند" و بعد "باروری مطلوب" معطوف به متاهلین "خواهان ۱ فرزند" را مطالعه می‌کند. نمونه تحقیق حاضر را ۲۵۵۷ نفر مردان و زنان ازدواج کرده ۳۰ ساله به‌بالا در نقاط شهری و روستایی شهرستان‌های منتخب ایران تشکیل می‌دهند. مطابق یافته‌ها، نه تنها الگوی تک‌فرزندی چندان مورد اقبال عمومی و پذیرفتنی نیست، بلکه نسبت متاهلین "خواهان ۱ فرزند" به میزان نیمی از نسبت متاهلینی است که "دارای ۱ فرزند" هستند. نتایج نشان می‌دهد در جامعه معاصر ما، تک‌فرزندی نه به‌عنوان یک الگوی موردانتظار و خواسته ذهنی افراد و خانواده‌ها، بلکه عمدتاً متأثر از تعیین‌کننده‌های خارج از ذهنیت و خواست آنان و تحت تاثیر شرایط اقتصادی اجتماعی است. بر همین اساس، اجرای برنامه‌ریزی‌های مناسب و سیاست‌گذاری‌های کلان در زمینه برطرف کردن دغدغه‌ها و دشواری‌های فرزندآوری به‌ویژه در عرصه فرصت‌های شغلی و اقتصادی به‌منظور محقق کردن پتانسیل‌های امیدوارکننده حدجایگزینی باروری در بین افراد و خانواده‌ها ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

ایران

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۲/۱۵

۱ دانشیار جمعیت‌شناسی گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران و محقق افتخاری دانشگاه وایکاتو نیوزیلند و غرب

سیدنی استرالیا (نویسنده مسئول) y.foroutan@umz.ac.ir

۲ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران، بابلسر

hr.bijani@yahoo.com

DOI: [10.22034/jPAI.2021.127044.1150](https://doi.org/10.22034/jPAI.2021.127044.1150)

مقدمه و بیان مسأله

به‌طور کلی، موضوع محوری و مسئله اصلی در این تحقیق معطوف به بررسی الگوها و تعیین‌کننده‌های مرتبط با "تک‌فرزندی"^۱ برپایه یک رویکرد جمعیت‌شناختی است. ضرورت و اهمیت این مسئله تحقیق ریشه در این واقعیت دارد که تک‌فرزندی به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین جنبه‌ها و جلوه‌های فرآیند موسوم به "تغییر شکل ویژگی‌های جمعیت‌شناختی"^۲ (فروتن ۲۰۱۹، ۲۰۲۰) محسوب می‌گردد که جوامع معاصر به‌طور فزاینده‌ای تجربه می‌کنند. علاوه بر این، آنچه ضرورت و اهمیت این قبیل مطالعات و تحقیقات علمی در برخی جوامع امروزی از جمله جامعه معاصر ایران را مضاعف می‌کند، این واقعیت است که اگرچه قدمت و شدت پدیده‌های نوظهوری همچون تک‌فرزندی در جوامع پیشرفته صنعتی جهان به‌مراتب بیشتر و برجسته‌تر است، اما در جوامع درحال توسعه جهان از جمله کشور ما نیز شاهد شکل‌گیری و اوج‌گیری این پدیده‌های نوظهور هستیم. نکته به‌مراتب مهمتری که ضرورت و اهمیت این قبیل تحقیقات و مطالعات را بیش از پیش مضاعف می‌کند معطوف به خلا تحقیقاتی بسیار برجسته و چشمگیر در این حوزه مطالعاتی است که در بررسی ادبیات و پیشینه تحقیق در بخش بعدی با تفصیل بیشتری به آن می‌پردازیم. به همین منظور، اهمیت و ضرورت دارد تا با انجام طیف گسترده و فزاینده مطالعات و پژوهش‌های علمی ابعاد و زوایای گوناگون آن مورد بررسی قرار گیرد.

در مجموع، روند فزاینده پدیده‌های نوظهور مانند تک‌فرزندی و سایر جلوه‌های فرآیند جهانی "تغییر شکل ویژگی‌های جمعیت‌شناختی" را می‌توان در دو سطح کلان و خرد تبیین و تحلیل کرد. سطح کلان معطوف به سیاست‌گذاری‌های حکومت‌ها و عملکردهای دولت‌هاست. سطح خرد نیز معطوف به نگرش‌ها و کنش‌های افراد جامعه است که مدنظر تحقیق حاضر می‌باشد. درعین حال، یافته‌های پژوهشی معطوف به سطح خرد می‌توانند زمینه‌های علمی و دستاوردهای مفید برای سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان فراهم آورند. علاوه بر این، در تحقیق حاضر تلاش کرده‌ایم استراتژی‌های پژوهشی زیر را مدنظر قرار دهیم تا بتوان به بررسی

1 One-child parenthood

2 The Transformation of Demographic Characteristics

دقیق‌تر و شناخت جامع‌تر الگوها و تعیین‌کننده‌های مرتبط با تک‌فرزندی دست یافت. اولاً، دامنه جمعیت نمونه مورد مطالعه را محدود به متاهلین ۳۰ ساله به بالا کرده‌ایم. ثانياً، تک‌فرزندی را در دو بعد مرتبط با هم مورد توجه و مطالعه قرار داده‌ایم که یک‌خلاف تحقیقاتی به مراتب جدی‌تر و چشمگیرتر در این زمینه وجود دارد: یکی، بعد "باروری تحقق یافته"^۱ که معطوف به متاهلینی است که در حال حاضر تک‌فرزند یا "دارای ۱ فرزند" هستند. دیگری، بعد "باروری مطلوب"^۲ که معطوف به تمایلات افراد برای تک‌فرزندی و شامل متاهلینی است که متمایل به تک‌فرزندی و "خواهان ۱ فرزند" هستند. در همین چارچوب، تحقیق حاضر تلاش می‌کند تا در حد توان و امکان و در راستای پاسخگویی به این ضرورت‌ها و خلاف تحقیقاتی و پرسش‌های کلیدی، سهم و نقشی را ایفا کند و با ارائه شواهد پژوهشی، زمینه‌های مناسبی را برای شناخت بالنسبه بهتر و عمیق‌تر الگوها و تعیین‌کننده‌های مرتبط با "تک‌فرزندی" فراهم نماید.

ادبیات و پیشینه تحقیق

مهم‌ترین نکته‌ای که در بررسی ادبیات تحقیق به‌طور کاملاً چشمگیری نمایان می‌گردد این است که علیرغم طیف متعدد و فزاینده تحقیقات و مطالعاتی که به‌ویژه طی سال‌های اخیر در زمینه باروری و فرزندآوری به‌طور عام صورت گرفته است، نه تنها پژوهش‌های بسیار اندکی به‌طور خاص بر روی موضوع تک‌فرزندی متمرکز شده‌اند، بلکه همین پژوهش‌های اندک نیز عمدتاً به تک‌فرزندی در چارچوب پدیده‌ی کم‌فرزندی پرداخته‌اند. مطابق نتایج تحقیق بلیک^۳ (۱۹۸۱) درباره‌ی تک‌فرزندی در امریکا، از یکسو، داشتن بیش از ۱ فرزند آن امتیازات اجتماعی پیشین را که در جوامع سنتی پدید می‌آورد را دیگر ایجاد نمی‌کند. از سوی دیگر، در عصر جدید الگوی تک‌فرزندی نه تنها سبب افزایش امکان دستیابی به امکانات بلکه باعث افزایش احتمال موفقیت در ساختارهای اجتماعی مدرن تحت حمایت فردگرایی نیز می‌شود. در نتیجه، امروزه شاهد رشد خیره‌کننده گرایش خانواده‌ها به سوی تک‌فرزندی هستیم. تحقیق جینگو وان^۴

1 Achieved fertility

2 Desired fertility

3 Blake

4Jing &Wan

(۱۹۸۷) در کشور چین نشان داد که تغییرات مدرن در خانواده‌های چینی تعداد آن‌ها را که در دوره‌هایی به ۳۰ نفر در ۴ یا حتی ۵ نسل می‌رسید به‌طور محسوسی کاهش داد و این امر در کنار توسعه‌ی برابری جنسیتی زمینه‌ساز پیدایش نگرش خانواده‌ی هسته‌ای و سرانجام خانواده‌هایی با یک فرزند شد. مک‌کین (۱۳۸۲)، فردگرایی افراطی را به‌عنوان اصلی‌ترین عامل برای گریز از فرزندآوری تلقی می‌کند و استدلال می‌کند انسان معاصر، فرزند و فرزندآوری را به‌عنوان یک عامل بازدارنده برای دست‌یابی به آزادی‌های فردی تلقی می‌کند که زمینه را برای بروز پدیده‌هایی همچون بی‌فرزندگی و تک‌فرزندگی فراهم می‌آورد. نتایج تحقیق پرده‌نو سخر^۱ (۲۰۱۴) در کشور هندوستان نشان داد که شهرنشینی، تحصیلات، اشتغال و وضعیت اقتصادی مهمترین نقش و تاثیر را در گرایش به تک‌فرزندگی ایفا می‌کنند. مطابق یافته‌های تحقیق باسو و دسای (۲۰۱۶)، ریشه پدیده تک‌فرزندگی را باید در عدم هماهنگی بین رشد فرهنگی و رشد اقتصادی جستجو کرد بدین معناکه بسیاری از خانواده‌ها از رشد تحصیلی و فرهنگی بالایی بهره‌مند هستند ولی فاقد درآمد اقتصادی مناسب می‌باشند، و به همین جهت بیش از پیش به داشتن یک فرزند متمایل می‌شوند.

همچنانکه پیشتر نیز اشاره شد، نکته مهم فوق‌الاشاره درخصوص طیف محدود و اندک تحقیقات و مطالعات مرتبط با تک‌فرزندگی در ایران به‌مراتب برجسته‌تر و مشهودتر است. به‌عنوان مثال، نتایج پژوهش مباحثی و همکاران (۱۳۹۲) درباره عوامل تاثیرگذار بر الگوی تک‌فرزندگی و بی‌فرزندگی در شهرکرد نشان داد که مهم‌ترین دلایل تک‌فرزندگی و بی‌فرزندگی عبارتند از افزایش هزینه‌ها و فشار اقتصادی، عدم حمایت دولت از فرزندآوری و نگرشی که در جامعه داشتن فرزند بیشتر را نشانه‌ی ضعف فرهنگی می‌داند. مطابق یافته‌های تحقیق فکری‌کیا و پژهان (۱۳۹۴)، میزان تک‌فرزندگی از ۲۳/۹ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۲۸,۵ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است. یافته‌های پژوهش خلیج‌آبادی فراهانی و سرایی (۱۳۹۲) درباره تک‌فرزندگی در بین مردان و زنان در شرف ازدواج ساکن در شهر تهران نشان داد که تحصیلات به ویژه تحصیلات زنان نقش بسیار مهمی در گرایش به تک‌فرزندگی ایفا می‌کند. نتایج مطالعه کیفی مبتنی بر

مصاحبه‌های عمیق با ۱۴ نفر مردان و زنان در شهر تهران (خلج آبادی فراهانی و سرایی ۱۳۹۵) نیز نشان داد که تصمیم خانواده‌ها برای تک‌فرزندآوری در واقع یک راهکار برای ایجاد تعادل است بدین معناکه مجموعه شرایط گوناگون خانوادگی، شخصی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و ... هر کدام بستر ساز شرایطی هستند که افراد را برای داشتن یک وضعیت با ثبات به تک‌فرزندی سوق می‌دهند. بدین ترتیب، در جمع‌بندی و نقد پیشینه تحقیق می‌توان گفت که اگرچه به‌ویژه طی سال‌های اخیر تحقیقات و مطالعات فراوان و فزاینده‌ای درخصوص باروری و فرزندآوری انجام گرفته است، اما واقعیت این است که در بخش عمده این تحقیقات یا اساساً به موضوع تک‌فرزندی توجه نشده و یا آنکه به تک‌فرزندی در قالب پدیده کم‌فرزندی پرداخته شده است. این خلا تحقیقاتی نه تنها در ادبیات تحقیق مرتبط با تک‌فرزندی در نقاط مختلف جهان مشاهده می‌شود، بلکه در کشور ما به مراتب برجسته‌تر و چشمگیرتر است. نکته به‌مراتب مهمتری که می‌توان در جمع‌بندی و نقد پیشینه تحقیق اشاره کرد این است که همان تحقیقات محدود و اندک در این حوزه مطالعاتی صرفاً به یکی از دو بعد اصلی تک‌فرزندی توجه کرده‌اند و تا آنجاکه بررسی و جستجوهای ما بر روی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد، تاکنون تقریباً هیچ تحقیقی به‌طور همزمان هر دو جنبه اصلی تک‌فرزندی را کانون توجه و مطالعه قرار نداده است. به‌عبارت دقیق‌تر، تحقیقات موجود یا منحصر به "باروری مطلوب" معطوف به تک‌فرزندی توجه کرده و تمایل و گرایش افراد به تک‌فرزندی را بررسی کرده‌اند، و یا اینکه صرفاً به "باروری تحقق یافته" معطوف به تک‌فرزندی توجه کرده و والدین تک‌فرزند را بررسی کرده‌اند. بر همین اساس، در تحقیق حاضر تلاش می‌کنیم تا در راستای تکمیل این خلا تحقیقاتی در حوزه مطالعاتی مرتبط با تک‌فرزندی، هر دو بعد آن را به‌طور همزمان کانون توجه و مطالعه قرار دهیم. بنابراین، تحقیق حاضر نه تنها جزو معدود تحقیقاتی است که به‌طور خاص و مشخص بر روی موضوع تک‌فرزندی متمرکز شده است، بلکه جزو نخستین تحقیقات در این حوزه مطالعاتی نیز است که به‌طور همزمان به هر دو جنبه آن اعم از "باروری مطلوب" و "باروری تحقق یافته" معطوف به تک‌فرزندی می‌پردازد و در همین چارچوب تلاش می‌کند تا با ارائه

شواهد پژوهشی، زمینه‌های لازم را برای شناخت بالنسبه بهتر و جامع‌تر الگوها و تعیین‌کننده‌های مرتبط با تک‌فرزندی فراهم آورد.

مبانی نظری تحقیق

در مجموع، سه قلمرو تئوریک برای تبیین فرزندآوری به‌طور عام و تک‌فرزندی به‌طور خاص می‌توان متمایز کرد. نخستین حوزه و قلمرو تئوریک مربوط به نظریه‌گذار جمعیت‌شناختی دوم^۱ (ون دکا^۲ ۱۹۸۷ و لستهاگه^۳ ۲۰۰۷) می‌باشد که اساساً معطوف به تحولات خانواده معاصر از جمله تغییرات در الگوهای فرزندآوری مانند تک‌فرزندی است. مطابق این تئوری نوین گذار جمعیتی، شکل‌های نوظهور در خانواده معاصر پدید آمده که به‌طور چشمگیری در حال گسترش در سطح جوامع انسانی است. به‌عنوان مثال، میزان‌های فزاینده تک‌فرزندی، بی‌فرزندی، خانواده تک‌والدی نیز به‌عنوان برخی دیگر از شکل‌های نوظهور خانواده معاصر کانون توجه و بررسی این تئوری نوین گذار جمعیتی می‌باشند. دومین قلمرو تئوریک برای تبیین فرزندآوری به‌طور عام و تک‌فرزندی به‌طور خاص معطوف به تئوری‌هایی است که بر اصل بنیادین عقلانیت^۴ استوار هستند. خاستگاه تاریخی این قبیل تئوری‌ها را باید در نظریات اندیشمندانی همچون ماکس وبر جستجو کرد که عقلانیت را یکی از سه ویژگی بنیادین جوامع در دوران معاصر تلقی می‌کنند. این حوزه و قلمرو تئوریک عمدتاً مشتمل بر نظریه‌های اقتصاددانان است و به همین سبب صبغه اقتصادی این دسته از تئوری‌ها در تبیین رفتار باروری بسیار برجسته و پررنگ است. مثلاً، می‌توان به نظریه اقتصاددان برجسته معاصر گری بکر^۵ (۱۹۶۰) اشاره کرد که رفتار فرزندآوری خانواده‌ها را محصول ارزیابی اقتصادی والدین مبتنی بر تحلیل معادله هزینه-فایده فرزند و تخصیص وقت و زمان برای فرزند و فرزندآوری می‌داند. سومین قلمرو تئوریک در این حوزه مطالعاتی مربوط به نظریه‌های جمعیت‌شناسانی همچون و آلفرد سووی (۱۳۵۷)، کالدول

1 Second Demographic Transition Theory

2 Van de Kaa

3 Lesthaeghe

4 Rationality

5 Gary Becker

(۱۹۷۶) و لسته‌هاى (۲۰۰۷) است که عمدتاً مبتنى بر ارزش‌هاى اجتماعى و عناصر فرهنگى جامعه مى‌باشد. به عقیده اين صاحب‌نظران، بدون در اختيار داشتن يك محيط و بستر فرهنگى مناسب نمى‌توان به نتايج مطلوب و پايدار در زمينه تاثيرگذارى بر الگوهاى فرزندآورى دست يافت. به‌عنوان مثال، آلفرد سووى (۱۳۵۷) تاکيد مى‌کند که تمايل به داشتن فرزندان کمتر در خانواده‌ها غالباً پيش از آنکه تبليغات سازمان‌ها در مورد اشاعه تحديد آغاز شود پديدار مى‌شود، نه بعد از آن (سووى، ۱۳۵۷). بدین ترتيب، با توجه به تغييرات بسيار گسترده و عميق جامعه ما طى دهه‌هاى اخير از جمله در عرصه‌هاى فرهنگى اجتماعى و اقتصادى، در اين تحقيق تلاش مى‌کنيم تا برپايه يك رويکرد تئوریک ترکیبی تبیین بالنسبه روشن‌تر و جامع‌ترى از الگوها و تعيين‌کننده‌هاى تک‌فرزندى ارائه نمائيم.

روش و داده‌هاى تحقيق

مباحث تجربى اين مقاله مبتنى بر تجزيه و تحليل‌هاى يك بررسى پيمائشى است که به‌منظور بررسى دقيق‌تر و شناخت جامع‌تر الگوها و تعيين‌کننده‌هاى مرتبط با تک‌فرزندى، دامنه جمعيت نمونه مورد مطالعه در تحقيق حاضر را متاهلين ۳۰ ساله به بالا قرار داده‌ايم. برهمن اساس، نمونه تحقيق را مجموعاً ۲۵۵۷ نفر مردان و زنان ازدواج کرده ۳۰ ساله به‌بالا ساکن در نقاط شهرى و روستايى شهرستان‌هاى اسفراین، اهواز، بابلسر، بجنورد، خرم آباد، رشت، سقز، کامياران، گرگان، گنبدکاووس، محمودآباد و همدان تشكيل مى‌دهند. حجم نمونه تحقيق با استفاده از روش کوکران تعيين شده و براى گزينش نمونه‌هاى تحقيق نيز از روش نمونه‌گيرى خوشه‌اى چندمرحله‌اى استفاده شده است. ابزار گردآورى داده‌هاى تحقيق نيز پرسشنامه ساخت‌يافته بود. متغير وابسته در تحقيق حاضر، "تک‌فرزندى" است و همچنانکه در بخش پيشين نيز اشاره گرديد، سعى کرده‌ايم تا آن را در دو سطح مرتبط با هم مورد توجه و بررسى قرار دهيم تا از اين طريق بتوان به شناخت بالنسبه دقيق‌تر و جامع‌تر الگوها و تعيين‌کننده‌هاى مرتبط با تک‌فرزندى دست يافت. براين اساس، دو سطح موردنظر براى مطالعه متغير وابسته تحقيق يعنى تک‌فرزندى عبارتند از: يکى، سطح "بارورى تحقق يافته" مرتبط با تک‌فرزندى که مشتمل بر متاهلين ۳۰

ساله به‌بالاست که درحال حاضر تک‌فرزند یا "دارای ۱ فرزند" هستند. دیگری، سطح "باروری مطلوب" مرتبط با تک‌فرزندی است که شامل آن دسته از متاهلین ۳۰ ساله به‌بالا می‌شود که متمایل به تک‌فرزندی و "خواهان ۱ فرزند" هستند. جدول ۱ نشان‌دهنده جمعیت نمونه تحقیق به تفکیک متاهلین ۳۰ ساله به‌بالای "دارای ۱ فرزند" و "خواهان ۱ فرزند" می‌باشد.

یافته‌های تحقیق

۱. الگوهای کلی تک‌فرزندی

مطابق داده‌های این تحقیق (جدول ۱)، الگوهای کلی زیر در زمینه تک‌فرزندی را می‌توان استنباط کرد: اول آنکه، نزدیک به یک پنجم متاهلین ۳۰ ساله به‌بالای مورد مطالعه در این تحقیق، "دارای ۱ فرزند" هستند. دوم آنکه، حدود یک دهم متاهلین ۳۰ ساله به‌بالا، "خواهان ۱ فرزند" می‌باشند. سوم آنکه، داده‌های این تحقیق نشان می‌دهد که نسبت متاهلین "دارای ۱ فرزند" دو برابر بیشتر از متاهلینی است که "خواهان ۱ فرزند" هستند. به‌عبارت دیگر، اگرچه نسبت زیادی از متاهلین تمایل به تک‌فرزندی ندارند، اما در عمل نسبت بیشتری از متاهلین "دارای ۱ فرزند" هستند. بنابراین، می‌توان گفت که تفاوت چشمگیری بین باروری مطلوب (خواهان ۱ فرزند) و باروری تحقق‌یافته (دارای ۱ فرزند) وجود دارد. به‌عبارت دقیق‌تر، نسبت قابل‌ملاحظه‌ای از متاهلین "دارای ۱ فرزند" را کسانی تشکیل می‌دهند که تک‌فرزندی به‌عنوان یک الگوی موردانتظار و خواسته ذهنی آن‌ها برای فرزندآوری نیست، بلکه تحت‌تاثیر تعیین‌کننده‌های متعدد و مهم دیگری خارج از ذهنیت و خواست آنان است که در بخش‌های بعدی آن‌ها را مورد توجه و بررسی قرار می‌دهیم.

جدول ۱: نمونه متاهلین ۳۰ ساله و بالاتر برحسب تعداد فعلی فرزند و تمایلات فرزندآوری (درصد)

مؤلفه‌های فرزندآوری	مردان	زنان	مردان و زنان	فراوانی
- تعداد فعلی فرزند				
- دارای ۱ فرزند	۱۹/۱	۱۶/۸	۱۸/۰	۴۶۳

ادامه جدول ۱: نمونه متاهلین ۳۰ ساله و بالاتر برحسب تعداد فعلی فرزند و تمایلات فرزندآوری (درصد)

مؤلفه‌های فرزندآوری	مردان	زنان	مردان و زنان	فراوانی
سایر	۸۰/۹	۸۳/۲	۸۲/۰	۲۰۹۹
جمع	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۲۵۵۷
تمایلات فرزندآوری				
خواهان ۱ فرزند	۱۰/۴	۸/۲	۹/۵	۲۴۱
سایر	۸۹/۶	۹۱/۸	۹۰/۵	۲۳۰۹
جمع	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۲۵۵۷
فراوانی	۱۲۸۲	۱۲۷۵	۲۵۵۷	۲۵۵۷

۲. تعیین‌کننده‌های تک‌فرزندی

الف) تک‌فرزندی برحسب سن و محل سکونت: مطابق داده‌های این تحقیق (جدول ۲)، محل سکونت نقش تعیین‌کننده‌ای بر روی الگوی تک‌فرزندی ایفا می‌کند: شهرنشینان دو برابر بیش از روستائیان "دارای ۱ فرزند" و "خواهان ۱ فرزند" هستند. به عبارت دقیق‌تر، نه تنها فقط یک سوم متاهلین "دارای ۱ فرزند" بلکه تنها یک سوم متاهلین "خواهان ۱ فرزند" نیز روستائین هستند. درحالی‌که اکثریت آنان یعنی دوسوم متاهلین "دارای ۱ فرزند" و دوسوم متاهلین "خواهان ۱ فرزند" شهرنشین می‌باشند. بخش قابل ملاحظه‌ای از این تفاوت شهری-روستایی مرتبط با الگوی تک‌فرزندی را می‌توان در چارچوب اقتصاد معیشتی خانواده روستایی نیازمند نیروی کار فرزندان بیشتر تبیین کرد، درحالی‌که الزامات زندگی شهری و شرایط شهرنشینی، افراد را بیشتر به سوی خانواده کم فرزند و تک‌فرزندی سوق می‌دهد. نکته دیگر این است که هم در نقاط شهری و هم در نقاط روستایی، تفاوت چشمگیری بین باروری مطلوب (خواهان ۱ فرزند) و باروری تحقق یافته (دارای ۱ فرزند) مشاهده نمی‌شود بدین معنا که هم در نقاط شهری و هم در نقاط روستایی، نسبت متاهلین خواهان ۱ فرزند کمابیش یکسان و مشابه متاهلین دارای ۱ فرزند است.

علاوه بر این، داده‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد (جدول ۲) که تک‌فرزندی به‌طور چشمگیری تحت تاثیر متغیر سن است که بوضوح نشان دهنده شکاف نسلی چشمگیری در زمینه تک‌فرزندی می‌باشد: اول آنکه، به‌طور کلی همزمان با افزایش سن متاهلین ۳۰ ساله به‌بالا، میزان تک‌فرزندی روبه کاهش می‌گذارد. مثلاً، نزدیک به نیمی از متاهلین "دارای ۱ فرزند" را ۳۰-۳۴ ساله‌ها و بیش از یک چهارم آنان را ۳۵-۳۹ ساله‌ها تشکیل می‌دهند، درحالی‌که این نسبت در بین متاهلین بالای ۴۵ ساله به حدود یک دهم تنزل می‌یابد. دوم آنکه، بیشترین میزان تمایل به تک‌فرزندی نیز متعلق به کوهورت متاهلین ۳۰-۳۴ ساله است به‌طوری‌که آنان یک سوم افراد خواهان ۱ فرزند را تشکیل می‌دهند. اما این نسبت در گروه‌های سنی بالاتر روبه کاهش می‌گذارد به‌طوری‌که نهایتاً میزان تمایل به تک‌فرزندی در بین کوهورت متاهلین ۳۰-۳۴ ساله دو برابر بیشتر از میزان آن در بین کوهورت متاهلین ۴۵-۴۹ ساله و سه برابر بیشتر از میزان آن در بین کوهورت متاهلین ۵۰ ساله به‌بالا می‌باشد. سوم آنکه، بررسی تطبیقی وضعیت متاهلین دارای ۱ فرزند و متاهلین خواهان ۱ فرزند متعلق به کوهورت‌های سنی مختلف نیز تاثیرگذاری چشمگیر متغیر سن بر روی الگوی تک‌فرزندی را به نحو مناسبتر و روشنتری نشان می‌دهد. بدین معناکه کوهورت متاهلین ۳۰-۳۴ ساله‌ها نه تنها بیشترین میزان تمایل به تک‌فرزندی (خواهان ۱ فرزند) را دارا هستند، بلکه در عمل نیز به مراتب بیش از کوهورت‌های مسن‌تر، "دارای ۱ فرزند" هستند. چهارم آنکه، بررسی تطبیقی باروری مطلوب ("خواهان ۱ فرزند") و باروری تحقق یافته ("دارای ۱ فرزند") در بین کوهورت‌های نسلی متاهلین نشان دهنده دو تصویر کاملاً متفاوت است: از یکسو، در بین کوهورت‌های متاهلین نسبتاً جوانتر ۳۰-۳۹ ساله، نسبت کسانی که "دارای ۱ فرزند" هستند (نزدیک به ۷۵ درصد) بیشتر از کسانی است که "خواهان ۱ فرزند" می‌باشند (حدود ۵۰ درصد). از سوی دیگر، وضعیت کاملاً معکوس در بین کوهورت‌های متاهلین مسن‌تر بالای ۴۰ ساله مشاهده می‌شود: نسبت افراد "خواهان ۱ فرزند" به مراتب بیشتر از افراد "دارای ۱ فرزند" است. مثلاً، در بین کوهورت متاهلین ۴۵ ساله به‌بالا: نسبت افراد "خواهان ۱ فرزند" بیش از دو برابر افرادی است که "دارای ۱ فرزند" هستند.

ب) تک‌فرزندی بر حسب سطح تحصیلات: مطابق داده‌های این تحقیق (جدول ۲)، الگوی تک‌فرزندی به‌طور چشمگیری تابعی از سطح تحصیلات است بدین معنا که کم‌ترین میزان تک‌فرزندی متعلق به کم‌سوادان و بیسوادان است، اما هرچه بر سطح تحصیلات افزوده می‌شود، میزان تک‌فرزندی نیز روند تصاعدی طی می‌کند. این تأثیرات چشمگیر سطح تحصیلات هم بر روی متاهلین دارای ۱ فرزند و هم بر روی متاهلین خواهان ۱ فرزند مشهود است. به‌عنوان مثال، بیسوادان و کم‌سوادان با تحصیلات ابتدایی نه تنها کمتر از یک دهم متاهلین دارای ۱ فرزند را بلکه کمتر از یک دهم متاهلین خواهان ۱ فرزند را نیز تشکیل می‌دهند. اما این میزان‌ها در سطوح بالاتر تحصیلات رو به افزایش می‌نهند و نهایتاً در بالاترین سطح تحصیلات، میزان‌های تک‌فرزندی نیز به بیشترین حد خود می‌رسند: بیش از دو پنجم متاهلین دارای ۱ فرزند و نزدیک به دو پنجم متاهلین خواهان ۱ فرزند دارای تحصیلات عالی دانشگاهی هستند. به‌عبارت دقیق‌تر، در بین متاهلین "دارای ۱ فرزند"، نسبت تحصیل‌کردگان دانشگاهی بیش از ۱۰ برابر نسبت بیسوادان و کم‌سوادان با تحصیلات ابتدایی است. همچنین نسبت متاهلین "خواهان ۱ فرزند" با تحصیلات عالی دانشگاهی بیش از ۵ برابر نسبت متاهلین "خواهان ۱ فرزند" با تحصیلات ابتدایی و بیسواد می‌باشد.

نکته مهم دیگر اینکه، سطح تحصیلات به شکل دیگری نیز الگوهای تک‌فرزندی را تحت تأثیر قرار می‌دهد: مطابق تجزیه و تحلیل‌های تطبیقی این تحقیق، نسبت متاهلین خواهان ۱ فرزند با تحصیلات ابتدایی و بیسواد است. بنابراین، در سطوح پایین تحصیلات، تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین باروری مطلوب (خواهان ۱ فرزند) و باروری تحقق یافته (دارای ۱ فرزند) مشاهده می‌شود. اما در سطوح عالی تحصیلات این تفاوت بین باروری مطلوب ("خواهان ۱ فرزند") و باروری تحقق یافته (دارای ۱ فرزند) به‌طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته و نهایتاً محو می‌شود: حدود دو پنجم متاهلین دارای ۱ فرزند و حدود دو پنجم متاهلین "خواهان ۱ فرزند" را تحصیل‌کردگان دانشگاهی تشکیل می‌دهند. به‌عبارت دقیق‌تر، سطح تحصیلات دارای دو تأثیر مهم و تعیین‌کننده

بر روی الگوهای تک‌فرزندی است: اولاً، هرچه بر سطح تحصیلات متاهلین افزوده می‌شود، هم تمایل آن‌ها به تک‌فرزندی فزونی می‌یابد و هم نسبت بیشتری از آنان دارای ۱ فرزند هستند. ثانیاً، آن تفاوت و ناهماهنگی بین باروری مطلوب ("خواهان ۱ فرزند") و باروری تحقق یافته ("دارای ۱ فرزند") که در سطوح پایین‌تر تحصیلات وجود دارد، در بین تحصیلکردگان دانشگاهی تقریباً محو می‌گردد. به عبارت دیگر، تحصیلات عالی دانشگاهی نه تنها میزان تک‌فرزندی را به بالاترین حد افزایش می‌دهد، بلکه سبب می‌شود تا یک نوع همسویی و همگرایی بین باروری مطلوب ("خواهان ۱ فرزند") و باروری تحقق یافته ("دارای ۱ فرزند") شکل گیرد: بدین معناکه نسبت متاهلین خواهان ۱ فرزند با تحصیلات دانشگاهی و نسبت متاهلین "دارای ۱ فرزند" با تحصیلات دانشگاهی کمابیش یکسان و مشابه همدیگر است.

جدول ۲: نمونه متاهلین ۳۰ ساله و بالاتر برحسب تعداد فعلی فرزند و تمایلات فرزندآوری به تفکیک

متغیرهای پایه (درصد)

تمایلات فرزندآوری		تعداد فعلی فرزند		متغیرهای پایه
سایر	خواهان ۱ فرزند	سایر	دارای ۱ فرزند	
				محل سکونت
				نقاط شهری
۶۰/۱	۶۵/۱	۵۸/۵	۶۸/۳	نقاط روستایی
۳۹/۹	۳۴/۹	۴۱/۵	۳۱/۷	جمع
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	گروه سنی
				۳۰-۳۴ ساله
۲۴/۰	۳۰/۷	۱۹/۸	۴۶/۲	۳۵-۳۹ ساله
۱۸/۶	۲۲/۱	۱۷/۶	۲۶/۱	۴۰-۴۴ ساله
۱۷/۲	۲۱/۰	۱۸/۳	۱۴/۳	۴۵-۴۹ ساله
۱۴/۶	۱۵/۸	۱۶/۳	۷/۳	۵۰ ساله و بالاتر
۲۵/۵	۱۰/۴	۲۸/۰	۶/۰	جمع
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	سطح تحصیلات

ادامه جدول ۲: نمونه متاهلین ۳۰ ساله و بالاتر برحسب تعداد فعلی فرزند و تمایلات فرزندآوری به تفکیک متغیرهای پایه (درصد)

تمایلات فرزندآوری		تعداد فعلی فرزند		متغیرهای پایه
سایر	خواهان ۱ فرزند	سایر	دارای ۱ فرزند	
۸/۲	۲/۳	۹/۰	۰/۹	بیسواد
۱۵/۵	۷/۲	۱۷/۱	۴/۳	ابتدایی
۱۴/۳	۱۴/۸	۱۵/۰	۱۰/۰	راهنمایی
۲۳/۴	۲۰/۵	۱۳/۱	۱۶/۲	دبیرستان
۱۳/۵	۱۷/۴	۲۲/۲	۲۷/۶	فوق دیپلم
۲۵/۱	۳۷/۹	۲۳/۱	۴۰/۸	لیسانس و بالاتر
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	جمع

ج) تک‌فرزندی و نگرش‌های جنسیتی-دینی: تجزیه و تحلیل‌های این تحقیق نشان می‌دهد (جدول ۳) که الگوهای تک‌فرزندی متاهلین به‌طور چشمگیری تابعی از نحوه نگرش جنسیتی آنان است. مطابق این بخش از داده‌های تحقیق حاضر، دو نکته عمده استنباط می‌شود. نکته اول آنکه، کمترین میزان تک‌فرزندی متعلق به کسانی است که دارای نگرش سنتی و محافظه‌کارانه نسبت به نقش‌های جنسیتی هستند، اما هرچه صبغه سنتی آن کاسته می‌شود و به سوی نگرش‌های جنسیتی غیرسنتی و مدرن سوق می‌یابد، میزان تک‌فرزندی نیز به‌طور قابل توجهی رو به فزونی می‌نهد. مثلاً، تنها یک چهارم متاهلین خواهان ۱ فرزند و حدود یک چهارم متاهلین دارای ۱ فرزند را کسانی تشکیل می‌دهند که نقش‌های جنسیتی را به کارهای داخل خانه محدود کرده و با اشتغال زنان در کار خارج از خانه مخالف هستند، درحالی‌که اکثریت چشمگیر آنان یعنی سه چهارم متاهلین خواهان ۱ فرزند و سه چهارم متاهلین دارای ۱ فرزند، موافق با اشتغال زنان در کار خارج از خانه می‌باشند. نکته دوم آنکه، این متغیر نحوه نگرش جنسیتی نیز قادر است که یک نوع همسویی و همگرایی بین باروری مطلوب (خواهان ۱ فرزند) و باروری تحقق یافته (دارای ۱ فرزند) ایجاد کند: بدین معناکه

نسبت متاهلین دارای ۱ فرزند که نگرش مثبت به اشتغال زنان دارند، کمابیش یکسان و مشابه با نسبت متاهلین خواهان ۱ فرزند دارای نگرش مثبت به اشتغال زنان است. این تشابه و همسانی را می‌توان حتی در بین متاهلین دارای نگرش منفی به اشتغال زنان نیز مشاهده کرد. به عبارت دقیق‌تر، نحوه نگرش جنسیتی متاهلین اعم از نگرش مثبت یا منفی آنان نسبت به اشتغال زنان سبب می‌شود تا یک نوع همسویی و همگرایی بین باروری مطلوب (خواهان ۱ فرزند) و باروری تحقق یافته (دارای ۱ فرزند) شکل گیرد.

علاوه بر این، نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد (جدول ۳) که بین میزان تک‌فرزندی و نگرش دینی یک ارتباط معکوس وجود دارد بدین معنا که هرچه صبغه نگرش دینی و دینداری متاهلین برجسته‌تر و قوی‌تر باشد، از میزان تک‌فرزندی آنان کاسته می‌شود. برعکس، آنگاه که قوت و شدت نگرش دینی و دینداری کاهش می‌یابد، شاهد افزایش میزان تک‌فرزندی هستیم. به عنوان مثال، نسبت چشمگیری از سایر متاهلین یعنی نزدیک به سه چهارم آنان واجبات دینی مانند نماز و روزه را "همیشه یا اغلب اوقات" انجام می‌دهند، درحالی‌که این نسبت تنها نیمی از متاهلین "خواهان ۱ فرزند" و حدود نیمی از متاهلین "دارای ۱ فرزند" را دربر می‌گیرد. از سوی دیگر، نسبت قابل ملاحظه‌ای از متاهلین "دارای ۱ فرزند" و "خواهان ۱ فرزند"، واجبات دینی را "ندرتاً یا اصلاً" انجام می‌دهند (یعنی، حدود یک پنجم آنان) که بیش از دو برابر نسبت آن برای سایر متاهلین است. همچنین، کمترین میزان تک‌فرزندی متعلق به کسانی است که به پوشیده‌ترین نوع حجاب برای زنان یعنی پوشش چادر اعتقاد دارند. اما هرچه این اعتقاد به سوی انواع ملایم‌تر پوشش مانند مقنعه و روسری سوق می‌یابد، میزان تک‌فرزندی رو به افزایش می‌گذارد. مثلاً، تنها حدود یک پنجم متاهلین دارای ۱ فرزند را کسانی شامل می‌شوند که به پوشیده‌ترین نوع حجاب یعنی چادر اعتقاد دارند، درحالی‌که این نسبت در بین متاهلین معتقد به انواع ملایم‌تر حجاب یعنی روسری به بیش از یک سوم افزایش می‌یابد. این الگو در تمایل به تک‌فرزندی نیز مشهود است: حدود یک پنجم متاهلین "خواهان ۱ فرزند" به پوشیده‌ترین نوع حجاب یعنی چادر، و بیش از یک سوم آنان به انواع ملایم‌تر حجاب یعنی روسری معتقد

هستند. نکته ديگر اينکه، اين متغير نيز قادر است تا يك نوع همسويى و همگرابى بين بارورى مطلوب (خواهان ۱ فرزند) و بارورى تحقق يافته (داراى ۱ فرزند) ايجاد کند. مثلاً، نسبت متاهلين داراى ۱ فرزند معتقد به پوشش روسرى تقريباً يکسان و مشابه با نسبت متاهلين خواهان ۱ فرزند معتقد به پوشش روسرى است. اين تشابه و همسانى کمابيش در دو مؤلفه ديگر پوشش زنان يعنى پوشش مقنعه و روسرى نيز صدق مى‌کند. نکته آخر اينکه، مطابق داده‌هاى اين تحقيق، الگوى تک‌فرزندى متاهلين به‌طور قابل ملاحظه‌اى تحت تاثير نحوه نگرش آنان نسبت به تصميم‌گيرى زنان در باره نوع پوشش خودشان نيز است: الگوى تک‌فرزندى به‌طور چشمگيرى در بين کسانى بيشتر مشهود است که داراى نگرش مثبت نسبت به چنين تصميم‌گيرى هستند به‌طوري‌که اکثريت متاهلين داراى ۱ فرزند (يعنى سه چهارم آنان) موافق با چنين تصميم‌گيرى هستند و تنها يك چهارم باقيمانده آنان مخالف با چنين تصميم‌گيرى مى‌باشند. اين نکته بر تمايل به تک‌فرزندى نيز صدق مى‌کند: دو سوم متاهلين "خواهان ۱ فرزند" داراى نگرش مثبت به تصميم‌گيرى زنان در باره نوع پوشش خودشان هستند و تنها يك سوم باقيمانده آنان با چنين تصميم‌گيرى مخالفند.

جدول ۳: نگرش‌هاى دينى و جنسيتى متاهلين ۳۰ ساله و بالاتر برحسب تعداد فعلى فرزند و تمايلات

فرزندآورى (درصد)

تمايلات فرزندآورى		تعداد فعلى فرزند		نگرش‌هاى دينى و جنسيتى
				اشتغال زنان
۶۷/۳	۷۴/۵	۶۷/۵	۷۲/۹	نگرش مثبت
۳۲/۷	۲۵/۵	۳۲/۵	۲۷/۱	نگرش منفى
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	جمع
				انجام واجبات دينى
۴۳/۵	۲۰/۳	۴۳/۶	۳۰/۳	هميشه
۲۸/۹	۳۰/۳	۲۹/۳	۲۴/۱	اغلب اوقات
۱۶/۴	۲۷/۰	۱۷/۹	۲۷/۸	بعضى اوقات

جدول ۳: نگرش‌های دینی و جنسیتی متاهلین ۳۰ ساله و بالاتر برحسب تعداد فعلی فرزند و تمایلات فرزندآوری (درصد)

تمایلات فرزندآوری		تعداد فعلی فرزند		نگرش‌های دینی و جنسیتی
۱۰,۲	۲۲/۴	۸,۲	۱۷,۸	خیلی کم و اصلا
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	جمع
نوع پوشش زنان				
۴۵,۵	۲۱,۶	۴۶/۵	۲۱/۷	- چادر
۲۳,۶	۲۳,۲	۲۳/۷	۲۹/۵	- مقنعه
۲۳,۹	۳۵,۷	۲۲/۴	۳۷/۳	- روسری
۶/۰	۱۹,۱	۷/۳	۱۱/۵	- عدم موافقت
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	جمع
تصمیم‌گیری زنان درباره نوع پوشش زنان				
۶۲,۹	۶۷,۶	۶۱/۷	۷۳/۵	- نگرش مثبت
۳۷,۱	۳۲/۴	۳۸/۳	۲۶/۵	- نگرش منفی
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	جمع

۳. تک‌فرزندی و نگرش‌های جمعیت‌شناختی

الف- ترجیحات فرزندآوری و سیاست افزایش جمعیت: مطابق تجزیه و تحلیل‌های تحقیق حاضر (جدول ۴)، بین الگوهای تک‌فرزندی و ترجیحات باروری یک ارتباط قابل توجهی وجود دارد بدین معنا که در بین متاهلینی که در حال حاضر دارای ۱ فرزند هستند، قوی‌ترین و بیشترین تمایل و ترجیح به سوی ۲ فرزند است به طوری که بیش از نیمی از آنان تمایل دارند تا ۲ فرزند داشته باشند. پس از آن، بیشترین نسبت متعلق به تک‌فرزندی است بدین معنا که نزدیک به یک پنجم آنان خواهان ۱ فرزند هستند. درعین حال، بررسی تطبیقی داده‌های این تحقیق نشان‌دهنده چند نکته مهم دیگر نیز است: اول آنکه، در بین متاهلینی که در حال حاضر دارای ۱ فرزند هستند، تمایل و ترجیح آنان به ۲ فرزند تقریباً سه برابر بیشتر از تمایل و ترجیح آن‌ها برای تک‌فرزندی است. دوم آنکه، تمایل به تک‌فرزندی در بین متاهلین دارای ۱ فرزند نزدیک به

سه برابر میزان آن در بین سایر متاهلین است: نزدیک به یک پنجم متاهلین دارای ۱ فرزند و کمتر از یک دهم سایر متاهلین، خواهان ۱ فرزند هستند. سوم آنکه، کمتر از یک چهارم متاهلین دارای ۱ فرزند خواهان فرزندآوری زیاد (سه فرزند و بیشتر) هستند، درحالی‌که نزدیک به نیمی از سایر متاهلین تمایل دارند تا سه فرزند و بیشتر داشته باشند. به عبارت دقیق‌تر، تمایل به فرزندآوری زیاد (سه فرزند و بیشتر) در بین سایر متاهلین بیش از دو برابر میزان آن در بین متاهلینی است که در حال حاضر "دارای ۱ فرزند" هستند.

علاوه بر این، نحوه نگرش به سیاست افزایش جمعیت نیز تحت تاثیر الگوهای تک‌فرزندی است به طوری‌که اولاً، اکثریت چشمگیر متاهلین دارای ۱ فرزند (سه چهارم) و اکثریت قابل ملاحظه متاهلین خواهان ۱ فرزند (چهار پنجم) دارای نگرش منفی نسبت به سیاست افزایش جمعیت هستند. ثانیاً، بررسی تطبیقی داده‌های تحقیق حاضر نیز نشان می‌دهد که میزان نگرش مثبت به سیاست افزایش جمعیت در بین متاهلین تک‌فرزند به مراتب کمتر از سایر متاهلین است. به عنوان مثال، کمترین میزان نگرش مثبت به سیاست افزایش جمعیت متعلق به متاهلینی است که خواهان ۱ فرزند هستند: تنها کمتر از یک پنجم آنان موافق با سیاست افزایش جمعیت هستند، درحالی‌که بیش از یک سوم سایر متاهلین دارای نگرش مثبت نسبت به سیاست افزایش جمعیت می‌باشند. مثال دیگر اینکه، فقط یک چهارم متاهلین دارای ۱ فرزند و بیش از یک سوم سایر متاهلین با سیاست افزایش جمعیت موافق هستند.

ب) تک‌فرزندی و نگرش به طلاق و سقط جنین: مطابق تجزیه و تحلیل‌های تحقیق حاضر (جدول ۴)، الگوی تک‌فرزندی ارتباط تنگاتنگی با نحوه نگرش به طلاق دارد به طوری‌که متاهلینی که "دارای ۱ فرزند" و "خواهان ۱ فرزند" هستند، به مراتب بیش از سایر متاهلین موافق با طلاق هستند. به عنوان مثال، یک سوم کسانی که دارای ۱ فرزند هستند موافق با طلاق می‌باشند، درحالی‌که این نسبت فقط یک چهارم سایر متاهلین را در بر می‌گیرد. این تاثیرگذاری بر روی تمایلات فرزندآوری به مراتب برجسته‌تر و مشهودتر است: نزدیک به نیمی از متاهلین "خواهان ۱ فرزند" دارای نگرش مثبت به طلاق هستند، درحالی‌که این نسبت تنها یک چهارم سایر متاهلین را

شامل می‌گردد. به عبارت دقیق‌تر، متاهلینی که به الگوی تک‌فرزندی تعلق دارند (اعم از متاهلینی که "دارای ۱ فرزند" هستند و به‌ویژه متاهلینی که "خواهان ۱ فرزند" می‌باشند) به مراتب بیش از سایر متاهلین، گرایش و نگرش مثبت به پذیرش طلاق به‌عنوان یک راه حل معضلات زناشویی دارند. در واقع، بیشترین نگرش مثبت به طلاق در بین متاهلین مربوط به کسانی است که خواهان ۱ فرزند هستند به‌طوری‌که نزدیک به نیمی از آنان موافق با طلاق هستند.

علاوه بر این، تجزیه و تحلیل‌های این تحقیق نشان می‌دهد که سقط جنین از نقطه نظر اکثریت چشمگیر تمامی گروه‌های متاهلین به‌عنوان یک عمل غیراخلاقی و غیرانسانی تلقی می‌شود به‌طوری‌که فقط کمتر از یک پنجم آنان، سقط جنین را غیراخلاقی و غیرانسانی تلقی نمی‌کنند. تنها گروه متفاوت در این زمینه، متاهلین خواهان ۱ فرزند هستند بدین معناکه بیش از یک چهارم آنان، سقط جنین را غیراخلاقی و غیرانسانی محسوب نمی‌کنند. در واقع، متاهلین خواهان ۱ فرزند به میزان تقریباً دو برابر بیشتر از سایر متاهلین بر این باورند که سقط جنین یک عمل غیراخلاقی و غیرانسانی تلقی نمی‌شود. علاوه بر این، متاهلین "دارای ۱ فرزند" و به‌ویژه متاهلین "خواهان ۱ فرزند" کمتر از سایر متاهلین معتقدند که سقط جنین باید ممنوع و غیرقانونی باشد. اکثریت چشمگیر سایر متاهلین یعنی بیش از دو سوم آنان بر این باورند که سقط جنین باید ممنوع و غیرقانونی باشد. درحالی‌که این نسبت فقط حدود نیمی از متاهلین تک‌فرزند (اعم از متاهلین "دارای ۱ فرزند" و متاهلین "خواهان ۱ فرزند") را دربر می‌گیرد و نیم دیگر آنان به‌ویژه متاهلین "خواهان ۱ فرزند" معتقدند که سقط جنین نباید ممنوع و غیرقانونی باشد.

جدول ۴: نگرش‌های جمعیت‌شناختی متاهلین ۳۰ ساله و بالاتر برحسب تعداد فعلی فرزند و تمایلات

فرزندآوری (درصد)

تمایلات فرزندآوری		تعداد فعلی فرزند		نگرش‌های جمعیت‌شناختی
		سایر	دارای ۱ فرزند	
سایر	خواهان ۱ فرزند	سایر	دارای ۱ فرزند	ترجیحات فرزندآوری
-	-	۱/۴	۰/۸	بدون فرزند
-	-	۷/۴	۱۹/۳	۱ فرزند

ادامه جدول ۴: نگرش‌هاى جمعيت‌شناختى متاهلين ۳۰ ساله و بالاتر برحسب تعداد فعلى فرزند و تمایلات فرزندآوری (درصد)

تمایلات فرزندآوری		تعداد فعلى فرزند		نگرش‌هاى جمعيت‌شناختى
سایر	خواهان ۱ فرزند	سایر	دارای ۱ فرزند	
-	-	۴۴/۳	۵۶/۲	۲ فرزند
-	-	۲۴/۴	۱۷/۵	۳ فرزند
-	-	۲۲/۵	۶/۲	۴ فرزند و بیشتر
-	-	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	جمع
سیاست افزایش جمعیت				
۳۳/۹	۱۸/۹	۳۴/۵	۲۵/۵	نگرش مثبت
۶۶/۱	۸۱/۱	۶۵/۵	۷۴/۵	نگرش منفى
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	جمع
نگرش به طلاق				
۲۵/۹	۴۲/۹	۲۶/۹	۳۱/۵	نگرش مثبت
۷۴/۱	۵۷/۱	۷۳/۱	۶۸/۵	نگرش منفى
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	جمع
دشواری داشتن و بزرگ کردن فرزند				
۱۵/۸	۱۴/۹	۱۵/۴	۱۷/۷	فرزند دختر
۱۲/۶	۱۹/۹	۱۳/۹	۱۱/۰	فرزند پسر
۶۳/۲	۵۹/۹	۶۲/۹	۶۱/۱	هر دو
۸/۴	۴/۳	۷/۸	۸/۹	هیچکدام
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	جمع
سقط جنین، غیر اخلاقى و غیرانسانى؟				
۸۴/۸	۷۲/۱	۸۳/۱	۸۳/۵	بلى
۱۵/۲	۲۷/۹	۱۶/۹	۱۶/۵	خیر
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	جمع
سقط جنین، ممنوع و غیرقانونى؟				

ادامه جدول ۴: نگرش‌های جمعیت‌شناختی متاهلین ۳۰ ساله و بالاتر بر حسب تعداد فعلی فرزند و تمایلات فرزندآوری (درصد)

تمایلات فرزندآوری		تعداد فعلی فرزند		نگرش‌های جمعیت‌شناختی
سایر	خواهان ۱ فرزند	سایر	دارای ۱ فرزند	
۶۶/۹	۴۹/۹	۶۷/۵	۵۸/۹	بلی
۳۳/۱	۵۰/۱	۳۲/۵	۴۱/۱	خیر
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	جمع
سن ازدواج دختران				
۳۴/۷	۱۷/۴	۳۵/۶	۲۲/۷	۲۰ سال و کمتر
۴۱/۸	۲۵/۳	۴۰/۴	۴۴/۴	۲۱-۲۴ سال
۱۸/۶	۳۵/۳	۱۹/۲	۲۵/۳	۲۵-۲۷ سال
۴/۹	۱۲/۰	۴/۸	۷/۶	۲۸ سال به بالا
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	جمع

ج) دشواری‌های مرتبط با داشتن و بزرگ کردن فرزند: مطابق نتایج تجزیه و تحلیل‌های این تحقیق (جدول ۴)، اکثریت متاهلین (نزدیک به دو سوم آنان) بر این باورند که در جامعه معاصر، داشتن و بزرگ کردن فرزند اعم از فرزند دختر و فرزند پسر کار دشواری است. این نکته مهم بر همه گروه‌های متاهلین اعم از متاهلین دارای ۱ فرزند، متاهلین خواهان ۱ فرزند و سایر متاهلین صدق می‌کند. علاوه بر این، از دیدگاه تمامی گروه‌های متاهلین (شامل متاهلین دارای ۱ فرزند، متاهلین خواهان ۱ فرزند و سایر متاهلین)، تفاوت قابل ملاحظه‌ای درباره دشواری‌های داشتن و بزرگ کردن فرزندان به تفکیک جنس آن‌ها یعنی فرزند دختر و فرزند پسر وجود ندارد بدین معنا که مجموعاً نزدیک به یک سوم آنان به‌طور کمابیش یکسان و مساوی به دشواری‌های داشتن و بزرگ کردن فرزند دختر و فرزند پسر اعتقاد دارند. نکته آخر اینکه، تنها کمتر از یک دهم متاهلین اعم از متاهلین دارای ۱ فرزند و متاهلین خواهان ۱ فرزند معتقدند که هیچگونه دشواری و مشکلی در زمینه داشتن و بزرگ کردن فرزند وجود ندارد. به عبارت

دقیق‌تر، اکثریت همه گروه‌های متاهلین (یعنی بیش از ۹۰ درصد آنان) بر این باورند که داشتن و بزرگ کردن فرزند (اعم از فرزند دختر، فرزند پسر، و یا هر دوی آنها) کار دشواری است. درعین حال، نکته قابل تامل در اینجا این است که متاهلین "خواهان ۱ فرزند" بیشترین و شدیدترین دغدغه‌ها را در زمینه داشتن و بزرگ کردن فرزند ابراز کرده‌اند به طوری که تنها کمتر از ۵ درصد آنان معتقدند که داشتن و بزرگ کردن فرزند در جامعه معاصر کار دشواری نیست، درحالی که این نسبت در بین سایر متاهلین بیش از دو برابر است.

د) سن ازدواج دختران: داده‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد (جدول ۴) که اگرچه اغلب متاهلین، سنین ۲۱-۲۴ سالگی را مناسب‌ترین سن ازدواج دختران می‌دانند، اما بررسی‌های تطبیقی مبین تفاوت‌های چشمگیری بین آنهاست. اول آنکه، متاهلین متعلق به الگوی تک‌فرزندی به مراتب کمتر از سایر متاهلین به ازدواج دختران در سنین پایین تمایل دارند. به عنوان مثال، کمتر از یک چهارم متاهلین دارای ۱ فرزند و بیش از یک سوم سایر متاهلین، موافق ازدواج دختران در سنین پایین (یعنی سنین ۲۰ سال و کمتر) هستند. دوم آنکه، کمترین میزان نگرش مثبت به ازدواج دختران در سنین پایین متعلق به متاهلین خواهان ۱ فرزند است به طوری که کمتر از یک پنجم آنان با ازدواج دختران در سنین پایین موافق هستند، درحالی که این نسبت در بین سایر متاهلین بیش از یک سوم است. به عبارت دقیق‌تر، سایر متاهلین دو برابر بیش از متاهلین خواهان ۱ فرزند، با ازدواج دختران در سنین پایین موافق هستند. سوم آنکه، بررسی‌های تطبیقی دقیق‌تر این تحقیق نشان می‌دهد که حتی در بین دو گروه متاهلین متعلق به الگوی تک‌فرزندی نیز تفاوت‌هایی در زمینه سن مناسب ازدواج دختران ملاحظه می‌شود. به عنوان مثال، متاهلین خواهان ۱ فرزند (یعنی، ۱۷ درصد) تاحدودی کمتر از متاهلین دارای ۱ فرزند (یعنی، ۲۳ درصد) موافق با ازدواج دختران در سنین پایین یعنی ۲۰ سال و کمتر هستند.

۴. تجزیه و تحلیل‌های مبتنی بر آمارهای استنباطی

مطابق داده‌های این تحقیق در جدول ۵، برجسته‌ترین نکته‌ای که می‌توان استنباط کرد این است که مجموعه‌ی متغیرهای مستقل مورد استفاده در این تحقیق تاحدودی و به شکلی متحد و برابر

در الگوی تک‌فرزندی تأثیرگذار هستند بدین معنا که هر یک از این متغیرهای مستقل مبتنی بر آماره‌های به دست آمده از آزمون معناداری کای اسکوئر و وی کرایمر دارای تأثیرات معنادار می‌باشند و این تأثیرگذاری به‌طور منسجم هم در تعداد فعلی فرزندان ("دارای ۱ فرزند") و هم در ترجیحات فرزندآوری ("خواهان ۱ فرزند") اثرگذار بوده‌اند. مثلاً، آزمون معناداری متغیر محل سکونت برای تعداد فعلی فرزندان با مقدار کای اسکوئر (۴۲/۰۰ و معناداری ۰/۰۰۰) و وی کرایمر (۰/۱۲۸) و برای ترجیحات فرزندآوری با کای اسکوئر (۳۰/۷۴۷ و معناداری ۰/۰۰۰) و وی کرایمر (۰/۱۰۹) نشان از معناداری این تأثیرگذاری دارد. علاوه بر این، دومین نکته مهم و برجسته که می‌توان از داده‌های تحقیق در این جدول استنباط و استخراج کرد این است که میزان و شدت تأثیرگذاری این متغیرها به شکل یکسانی در سطح پایینی قرار دارد. این موضوع به‌وضوح منعکس‌کننده دو واقعیت مهم است: از یک سو، شدت ملایم و بطئی متغیرهای مستقل تحقیق بیانگر نوعی تمایل جامعه معاصر ایران به همگرایی و همسویی در عرصه الگوهای تک‌فرزندی است بدین معنا که جامعه بتدریج بدان سمت سوق می‌یابد که افراد صرفنظر از مرد یا زن بودن، شهری یا روستایی بودن و ... دارای نگرش و کنش کمابیش (البته، نه لزوماً و کاملاً) مشابه و مشترک در زمینه تعداد فعلی فرزندان ("دارای ۱ فرزند") و ترجیحات فرزندآوری ("خواهان ۱ فرزند") می‌شوند. از سوی دیگر، متغیرها به واسطه‌ی کثرت‌شان و تأثیرگذاری تک‌تک آن‌ها در این فرایند قدرت اثرگذاری آن‌ها از حالت برتر و تک-عاملی به وجهی مشخص و چندعاملی در می‌آیند.

جدول ۵: داده‌های تحقیق برپایه آمارهای استنباطی درخصوص تعیین‌کننده‌های تک‌فرزندی

ترجیحات فرزندآوری: خواهان ۱ فرزند				تعداد فعلی فرزند: دارای ۱ فرزند				متغیرهای مستقل
Sig	Df	Cramer's V	Chi-Square	Sig	df	Cramer's V	Chi-Square	
۰/۰۰۰	۶	۰/۱۰۹	۳۰/۷۴۷	۰/۰۰۰	۶	۰/۱۲۸	۴۲/۰۰	محل سکونت
۰/۰۰۰	۳۶	۰/۰۹۹	۱۵۲/۰۶۰	۰/۰۰۰	۳۶	۰/۲۶۸	۱۱۰۷/۱۸۸	سن
۰,۳۵	۶	۰,۶۵	۲۳,۳۴	۰,۴۸	۶	۰,۷۰	۱۲,۷۱۷	جنسیت

ادامه جدول ۵: داده‌هاى تحقيق برپايه آمارهاى استنباطى در خصوص تعيين کننده‌هاى تک‌فرزندى

ترجيحات فرزندآورى : خواهان ۱ فرزند				تعداد فعلى فرزند : داراى ۱ فرزند				متغيرهاى مستقل
Sig	Df	Cramer's V	Chi-Square	Sig	df	Cramer's V	Chi-Square	
۰/۰۰۰	۴۸	۰/۱۳۹	۲۹۶/۲۸۹	۰/۰۰۰	۴۸	۰/۲۲۵	۷۷۹/۲۰۲	تحصيلات
۰/۰۰۰	۲۴	۰/۱۴۸	۲۲۶/۳۷۸	۰/۰۰۰	۲۴	۰/۱۱۵	۱۳۶/۴۱۲	نگرش به اشتغال زنان
۰/۰۰۰	۲۴	۰/۱۴۸	۲۲۴/۱۹۹	۰/۰۰۰	۲۱	۰/۱۳۸	۲۳۱/۱۳۹	شاخص ديندارى
۰/۰۰۰	۲۴	۰/۱۳۱	۱۷۶/۹۶۷	۰/۰۰۰	۲۴	۰/۱۲۶	۱۶۲/۹۷۹	نوع حجاب
۰/۰۰۰	۲۴	۰/۱۳۱	۱۷۶/۹۶۷	۰/۰۰۰	۲۴	۰/۱۱۳	۱۳۰/۹۶۷	تصميم گيرى زنان درباره پوشش
۰/۰۰۰	۳۶	۰/۱۷۷	۴۸۴/۰۹۶	-	-	-	-	تعداد فعلى فرزند

نتيجه گيرى و بحث

در تحقيق حاضر، برپايه يك رويکرد جمعيت‌شناختى موضوع مهم "تک‌فرزندى" را کانون اصلى توجه و بررسى قرار داده‌ايم که به‌عنوان يکى از عمده‌ترين جنبه‌هاى فرايند موسوم به "تغيير شکل ويژگى‌هاى جمعيت‌شناختى" (فروتن ۲۰۱۹، ۲۰۲۰) در جوامع معاصر محسوب مى‌شود. در اين تحقيق به‌منظور بررسى دقيق‌تر و شناخت جامع‌تر الگوها و تعيين کننده‌هاى مرتبط با تک‌فرزندى، اولاً، متاهلين ۳۰ ساله به بالا را مورد مطالعه قرار داده‌ايم تا تصوير بالنسبه بهتر و واقع بينانه‌ترى از تک‌فرزندى ارائه نمايد. ثانياً، تک‌فرزندى را به‌طور همزمان در دو بعد مشتمل بر بعد "بارورى تحقق يافته" معطوف به متاهلين "داراى ۱ فرزند" و بعد "بارورى مطلوب" معطوف به متاهلين "خواهان ۱ فرزند" بررسى کرده‌ايم. برهمين اساس، تحقيق حاضر نه تنها جزو معدود تحقيقاتى است که به‌طور خاص و مشخص بر روى موضوع تک‌فرزندى متمرکز شده است، بلکه جزو نخستين تحقيقات در اين حوزه مطالعاتى نيز محسوب مى‌شود که

به‌طور همزمان به هر دو جنبه آن اعم از "باروری مطلوب" و "باروری تحقق یافته" مرتبط با تک‌فرزندی می‌پردازد.

در مجموع، نتایج این تحقیق نشان داده است که نه تنها الگوی تک‌فرزندی چندان مورد اقبال عمومی و پذیرفتنی نیست، بلکه تفاوت برجسته‌ای بین باروری تحقق یافته و باروری مطلوب مرتبط با تک‌فرزندی مشاهده می‌شود: نسبت متاهلین "خواهان ۱ فرزند" تقریباً به میزان نیمی از نسبت متاهلینی است که "دارای ۱ فرزند" هستند. به عبارت دقیق‌تر، حتی حدود نیمی از متاهلین "دارای ۱ فرزند" نیز شامل افرادی است که تک‌فرزندی به‌عنوان یک الگوی موردانتظار و خواسته ذهنی آن‌ها برای فرزندآوری محسوب نمی‌شود. یکی از این تعیین‌کننده‌های مهم متغیر محل سکونت است: شهرنشینان دو برابر بیش از روستائیان "دارای ۱ فرزند" و "خواهان ۱ فرزند" هستند. این تمایز شهری-روستایی مرتبط با الگوی تک‌فرزندی رامیتوان اینگونه تبیین کرد که از یک‌سو، شهرنشینی و الزامات زندگی شهری سبب می‌شود تا خانواده‌ها به سوی تک‌فرزندی سوق یابند. از سوی دیگر، اقتصاد معیشتی نیازمند نیروی کار فرزندان نیز خانواده روستایی را به سوی فرزندآوری زیاد و پرهیز از تک‌فرزندی ترغیب می‌کند. یکی دیگر از این تعیین‌کننده‌های مهم متغیر سن است که منعکس‌کننده تفاوت‌های نسلی چشمگیری در زمینه تک‌فرزندی نیز می‌باشد: کوهورت متاهلین ۳۰-۳۴ ساله‌ها نه تنها بیشترین میزان تمایل به تک‌فرزندی ("خواهان ۱ فرزند") را دارا هستند، بلکه در عمل نیز به‌مراتب بیش از کوهورت‌های مسن‌تر، "دارای ۱ فرزند" می‌باشند. علاوه بر این، همزمان با افزایش سطح تحصیلات هم بر میزان تک‌فرزندی افزوده می‌شود و هم اینکه بتدریج یک نوع همسویی و همگرایی بین باروری مطلوب و باروری تحقق یافته شکل می‌گیرد به‌طوری‌که نهایتاً نسبت متاهلین "دارای ۱ فرزند" با تحصیلات دانشگاهی و نسبت متاهلین "خواهان ۱ فرزند" با تحصیلات دانشگاهی کمابیش یکسان و مشابه همدیگر است.

یک گروه دیگر از این تعیین‌کننده‌های مهم مربوط به نحوه نگرش‌های دینی و جنسیتی است بدین معنا که کمترین میزان تک‌فرزندی متعلق به متاهلینی است که صبغه نگرش جنسیتی آن‌ها

سنتى تر و شدت نگرش دينى آنان نيز قوى تر است. برعكس، هرچه از صبغه سنتى نگرش جنسى و از شدت نگرش دينى كاسته مى‌شود، ميزان‌هاى تك‌فرزندى اعم از نسبت متاهلين "داراى ۱ فرزند" و متاهلين "خواهان ۱ فرزند" سير تصاعدى طى مى‌كند. علاوه بر اين، نه تنها تمايل به تك‌فرزندى در بين متاهلين داراى ۱ فرزند نزديك به سه برابر ميزان آن در بين ساير متاهلين است، بلكه كمترين نگرش مثبت به سياست افزايش جمعيت نيز متعلق به متاهليني است كه خواهان ۱ فرزند هستند به طورى كه تنها كمتر از يك پنجم آنان موافق با سياست افزايش جمعيت مى‌باشند. همچنين، متاهلين متعلق به الگوى تك‌فرزندى به‌ويژه متاهلين "خواهان ۱ فرزند" به مراتب بيش از ساير متاهلين، با ازدواج دختران در سنين بالاتر، با طلاق به‌عنوان راه حل مسائل زناشويى و با عدم منع قانونى سقط جنين موافق هستند.

از نقطه نظر برنامه‌ريزى و سياستگذارى نيز مى‌توان از يافته‌هاى تحقيق حاضر به‌منظور ارائه توصيه‌هاى كاربرى بهره‌مند گرديد: بدین معناكه نتايج اين تحقيق به روشنى نشان داده است كه علي‌رغم همه تحولات و تألمات معطوف به فرزندآورى، نه تنها كماكان الگوى تك‌فرزندى در جامعه ما چندان پذيرفتنى و برجسته نيست بلكه حتى در بين متاهليني كه درحال حاضر داراى ۱ فرزند هستند نيز تمايل و ترجيح آنان به ۲ فرزند تقريباً سه برابر بيشتر از تمايل و ترجيح آنها براى تك‌فرزندى است. درعين حال، نکته قابل تامل در اينجا اين است كه بيشترين و شديدترين دغدغه‌ها در زمينه داشتن و بزرگ كردن فرزند از سوى متاهلين "خواهان ۱ فرزند" ابراز شده است به طورى كه تقريباً تمامى آنان بر اين باورند كه داشتن و بزرگ كردن فرزند در جامعه امروزين بسيار دشوار است. بنابرين، نتيجه‌گيرى نهايى از يافته‌هاى تحقيق حاضر اين است كه حتى در جامعه معاصر ما نيز تك‌فرزندى نه به‌عنوان يك الگوى موردانتظار و خواسته ذهنى افراد و خانواده‌ها براى فرزندآورى بلكه عمدتاً متأثر از تعيين‌كننده‌هاى خارج از ذهنيت و خواست آنان و تحت تاثير شرايط اقتصادى اجتماعى است. مثلاً، يافته‌هاى اين تحقيق مبنى بر اينكه حتى بيش از نيمى از متاهلين "داراى ۱ فرزند" نيز تمايل دارند تا ۲ فرزند داشته باشند، نه تنها به‌طور

بالقوه چشم‌انداز بسیار روشن و مناسبی را برای تامین و تضمین حد جایگزینی میزان باروری^۱ در سال‌های آینده جامعه ما ترسیم می‌نماید، بلکه بر این واقعیت مهم تاکید می‌کند که ضرورت دارد در عمل نیز برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌های لازم در زمینه برطرف کردن دشواری‌ها و دغدغه‌های جوانان و خانواده‌ها به‌ویژه در عرصه فرصت‌های شغلی و اقتصادی صورت گیرد تا با اجرای این قبیل سیاستگذاری‌های کلان دولت و حکومت، پتانسیل‌های امیدوارکننده حد جایگزینی باروری در سطح افراد و خانواده‌ها بتوانند تحقق عینی و عملی پیدا کنند.

منابع

- خلیج آبادی فراهانی، فریده و سرایی، حسن. (۱۳۹۲). قصد تک‌فرزندی و تعیین‌کننده‌های آن در زنان و مردان در شرف ازدواج در تهران. *فصلنامه مطالعات جمعیتی*. سال اول. شماره ۱. ص ۶۱-۸۵.
- خلیج آبادی فراهانی، فریده و سرایی، حسن. (۱۳۹۵). واکاوی شرایط زمینه‌ساز قصد و رفتار تک‌فرزندی در تهران. *مطالعات راهبردی زنان*. ش ۷۱. ص ۲۹-۵۸.
- فکری کیا، رامین و پژوهان، علی. (۱۳۹۴). بررسی ویژگی‌های جمعیتی و اقتصادی خانوارهای تک‌فرزندی در ایران در سرشماری سال ۱۳۹۰. *فصلنامه‌ی پژوهش اجتماعی*. ش ۲۸. ص ۱۶۹-۱۸۶.
- سووی، آلفرد (۱۳۵۷)، *مالتوس و دو مارکس*، ترجمه صدقیانی، ابراهیم، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- مباحثی، محمود؛ علیدوستی، معصومه؛ سورشجانی، سعید حیدری؛ خسروی، فرزین؛ خلفیان، پوران و جلیلیان، محسن. (۱۳۹۲). تعیین مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر الگوی باروری خانواده‌های تک‌فرزند و بدون فرزند شهرستان شهرکرد در سال ۱۳۹۲. *مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ایلام*. ش ۶. ص ۶۳-۷۰.
- مک کین، بیل. (۱۳۸۲). تاملی درباره‌ی خانواده تک‌فرزندی. *سیاحت غرب*. آذر. شماره ۶. ص ۲۸-۳۸.
- Basu, A. M.& Desai, S. (2016) Hopes, dreams and anxieties: India's one-child families, *Asian Population Studie*, 12(1): 4-27, DOI:10.1080/17441730.2016.1144354

- Becker, G. S. (1960). An economic analysis of fertility. In *Demographic and Economic Change in Developed Countries*, Columbia University Press.
- Blake, J. (1981). The Only Child in America: Prejudice versus Performance. *Population and Development Review*, 1(1): 43-54.
- Caldwell, J. (1976), "Towards a Restatement of Demographic Transition Theory", *Population and Development Review*, 18(2): 211-242.
- Foroutan, Y. (2019), Cultural analysis of Half-Century Demographic Swings of Iran: The Place of Popular Culture, *Journal of Ethnic and Cultural Studies*, 6(1):77-89.
- Foroutan, Y. (2019), Formation of Gender Identity in the Islamic Republic of Iran: Does Educational Institution Matter? *Journal of Beliefs & Values: Studies in Religion & Education*, 40(1):1-18.
- Foroutan, Y. (2020), Ethnic or Religious Identities?: Multicultural Analysis in Australia from Socio-Demographic Perspective, *Journal of Ethnic and Cultural Studies*, 7(1): 1-14.
DOI: <http://dx.doi.org/10.29333/ejecs/280>
- Jing, Q. & Wan, CH. & Over, R. (1987). Single-Child Family in China: Psychological Perspectives. *International Journal of Psychology*, 22(1) :127-138.
DOI:10.1080/00207598708246773
- Lesthaeghe, R. J. (2007). *Second Demographic Transition*. John Wiley & Sons, Ltd.
- Pradhan, I.& T.V. Sekher (2014). Single-Child Families in India: Levels, Trends and Determinants, *Asian Population Studies*, 10(2):163-175.
DOI: 10.1080/17441730.2014.909962
- Van de Kaa, D. J. (1987). Europe's second demographic transition. *Population Bulletin*, 42(1):1-59.

Original Research Article ■

One-Child Parenthood and its Determinants in Iran

Yaghoob Foroutan¹ & Hamidreza Bijani²

Abstract This research paper focuses on the key issue of one-child parenthood and examines its main patterns and determinants from a demographic perspective. The issue of one-child parenthood is identified as one of the most important components of the so-called process of “the transformation of demographic characteristics”. The literature review clearly indicates that while the general themes of fertility and childbearing have received a large body of studies in more recent years, it lacks substantially studies with specific focus on one-child parenthood. The present study not only contributes filling this research gap, but also is amongst the first studies focusing *simultaneously* on both sides of one-child parenthood: having one-child, wanting one-child. The results of this paper are based on a survey that includes 2557 married males and females aged 30 years and older residing in the selected rural and urban areas of Iran.

The research results presented and discussed in this paper have shown that not only one-child parenthood is insignificantly accepted, but also the proportion of respondents ‘wanting one-child’ is almost half of the proportion of those ‘having one-child’. In sum, the conclusion of these research findings is that the one-child parenthood is overwhelmingly driven by socio-economic determinants rather than individual choices, suggesting the fundamental role of governmental policies targeted largely towards socio-economic and occupational provisions in order to enable individuals to go beyond the one-child parenthood.

Keywords one-child parenthood, demographic attitudes, generational gap, gender attitude, religiosity, Iran.

Received: 04 May 2020

Accepted: 15 March 2021

¹Associate Professor of Demography at University of Mazandaran, Iran & Research Associate at University of Waikato, New Zealand and Western Sydney University, Australia (Corresponding Author) y.foroutan@umz.ac.ir

²PhD Candidate in Economic Sociology and Development at University of Mazandaran, hr.bijani@yahoo.com

DOI: [10.22034/jPAI.2021.127044.1150](https://doi.org/10.22034/jPAI.2021.127044.1150)